



ارزیابی دو دهه گسترش بانکداری خصوصی و تامین مالی بر رشد اقتصادی در ایران (توهم یا واقعیت)

شکیب سلیمی مجاوری^۱

محمدرضا ناهیدی امیرخیز^۲

سیاوش جانی^۳

رقیه حسنزاده^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده

با گذشت دو دهه از آثار فعالیت خصوصی سازی بانکها، نقش آنها بر رشد اقتصادی در ایران مورد مناقشه اقتصاددانان است. هدف این پژوهش اتخاذ رویکردی جدید در ارزیابی اثربخشی گسترش فعالیت بانکداری غیردولتی بر رشد اقتصادی است. با طراحی یک الگوی کلان اقتصادسنجی در دوره ۱۳۸۸:۱ تا ۱۳۹۹:۴ به برآورد نقش بانکهای غیردولتی بر رشد اقتصادی از طریق کانال تامین مالی پرداخته ایم. پارامترهای برآوردی در قالب حقایق اثبات شده میزان اثرگذاری اعطای اعتبارات در بانکهای دولتی بر رشد اقتصادی را دو برابر بانکهای غیردولتی نشان می دهند. (۰/۱۹ در مقابل ۰/۰۹) به رغم افزایش سهم بانکهای غیردولتی از گسترش اعتبارات، اصلاحات بنیادی در ساختار نظام بانکی از نظر سرعت بهبود اصلاحات و میزان تطبیق آن با استانداردهای جهانی با شکاف عمیقی مواجه است که ریشه در انعطاف ناپذیری نهادی دارد. بازار پولی از نظر گسترش سطح خدمات، اعطای اعتبارات، افزایش سطح رقابت، کنترل داخلی و متنوع سازی ابزار مالی بهبودهایی را تجربه کرده اند، اما در قیاس با استانداردهای پولی جهانی شکاف عملکردی عمیقی دارند. این شکاف از نرخ بالای هزینه اعتبارات به عنوان درجه ریسک بالا، تورمهای مزمن ساختاری، بی ثباتی در نرخ ارز و رشد پول پر قدرت عملکرد خود را نمایان ساخته است. سامان دهی حجم پول پر قدرت، انضباط گرایی پولی، تقویت فضای رقابتی و قانونمندگرایی به عنوان رفع موانع نهادی در نظام پولی تبیین گر میسر درست اقدامات سیاست گذاری در اثربخشی واقع بینانه در فضای کنونی محسوب می شود.

واژه های کلیدی: اثربخشی خصوصی سازی، موانع نهادی تامین مالی، رشد اقتصادی

طبقه بندی JEL: G10، G21

۱ گروه اقتصاد، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران. shakibsm@yahoo.com

۲ گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). nahidi@iau.ac.ir

۳ گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. s.jani@pnu.ac.ir

۴ گروه مدیریت، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران. Hassanzadeh.r@iau.ac.ir



۱- مقدمه

گسترده‌گی و کیفیت خدمات نظام بانکی بر رشد اقتصادی تأثیر دارد. بانک‌ها با ارائه خدمات پولی و مالی و تامین تقاضای خانوارها و بنگاه‌ها نقش مهمی در عرضه و تقاضای وجوه ایفا می‌کنند. ناکارآمدی دولت و نقش ضعیف آنها در اقتصادهای جهان موجب شد تا گسترش خدمات پولی و تقویت نهادهای بخش خصوصی، همزمان با موج سیاست‌های تعدیل اقتصادی در سطح بین‌الملل در دهه ۱۹۸۰ قوت بگیرد. تقویت نیروهای بازاری و فاصله گرفتن از نقش ناکارآمد دولت‌های مداخله‌گر افزایش بهره‌وری و ایجاد نظامی چابک، سریع، ارزان، شفاف و پاسخ‌گو، در عرضه خدمات پولی و بانکی نه تنها در قیاس با استانداردهای پولی و بانکی متعارف بین‌المللی، بلکه در اکثر برنامه‌های توسعه ایران در ۵۰ سال اخیر مورد تأکید اهداف برنامه‌ها بوده است.

گسترش پتانسیل‌های اقتصادی از طریق بکارگیری توانمندی بخش خصوصی در رشد اقتصادی بسیار تعیین کننده است. واقعیت این است که ظرفیت اندک دولت و ناکارآمدی آن هر بخش اقتصادی را زمین‌گیر می‌کند. (میدری، ۱۳۹۲) ناکارآمدی‌های گسترده بخش دولتی، تحمیل هزینه‌های زیاد در اقتصاد و تغییر فضای جهانی، ضرورت تغییر رویکرد دولت را و تقویت سطح کیفیت آن را الزامی ساخته است. در کل این عقیده وجود دارد که بخش خصوصی و مشارکت آن در اقتصاد ثروت بیشتری خلق می‌کند. این مقوله با طرح موضوعات مربوط به حکمرانی مطلوب در چند دهه اخیر شدت بیشتری یافته است.

تغییر در توانمندی و نقش سیستم بانکی منوط به توسعه همگون این بخش، ارائه خدمات مالی متناسب، کیفیت نهادهای شده و مبتنی بر قانون‌مندی و انضباط‌گرایی است. در صورتی سیستم پولی و مالی به عنوان تسهیل‌گر خدمات پولی و مالی در مشارکت رشد اقتصادی و توسعه فعالیت‌های بازار پول نقش مثبتی دارد که هماهنگ با نیاز بخش‌های اقتصادی و مبتنی بر رقابت‌پذیری و هم‌سطح با استانداردهای مالی متعارف جهانی خدمات مطلوب و با کیفیتی ارائه دهد. ارزیابی و رصد مداوم متغیرهای توسعه مالی و بانکی و بهبود کارکرد ابزارهای آنها و اثربخشی در ایجاد ظرفیت‌های جدید و توانمندی بخش‌های اقتصادی بویژه در سطح کلان و خرد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

بانک‌ها با سازمان‌دهی و هدایت وجوه اعتباری، مبادلات بازرگانی را تسهیل و موجب گسترش بازارهای مالی از طریق تامین مالی طرح‌های جدید در بخش‌های اقتصادی می‌شوند. همچنین، با تجهیز پس‌اندازها و هدایت آنها به سمت بنگاه‌های تولیدی و تجاری، خدمات پولی و مالی ارزشمندی را در قالب تنخواه نقدینگی و اجرای طرح‌های پایه‌ای ارائه می‌کنند. کشورهایی که الگوی کارآمدی در تخصیص سرمایه از طریق نظام پولی و مالی و بیمه‌ای به بخش‌های مختلف اقتصادی دارند، اغلب از سطح پیشرفت و رفاه اقتصادی اجتماعی بالاتری برخوردارند.

نظام بانکی مولود پیشرفت فعالیت‌های اقتصادی و مالی در تمدن رو به رشد جامعه انسانی است. در اکثر اقتصادها، بانک‌ها مرکز ثقل مبادلات مالی و نظام اعتباری بوده و نقش مهمی در فرآیند تجهیز پس‌اندازها، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و متنوع‌سازی سطح ریسک از طریق ترکیب دارایی‌ها و بازدهی منابع مالی و اعتباری مختلف ایفا نموده‌اند.

با گسترش تجارت، نظام پولی و مالی از نظر کمی و کیفی در سطح ملی و منطقه‌ای ارتقاء یافت. دولت‌ها با استنادات فلسفی گوناگون و تمرکز بر حق حکومت با مداخله در امور اقتصادی و مالی، در ایجاد و شکل‌گیری نظام بانکی کوشش مضاعفی را انجام دادند. از طرفی، دولت‌ها توانایی کافی در پاسخ به تأمین منابع مالی و پولی در اجرای تمامی طرح‌های اقتصادی را نداشتند و زمینه ورود قانونی و ساختارمند را برای فعالیت بخش خصوصی از طریق نظارت بانک مرکزی فراهم نمودند (تفضلی، ۱۳۸۸).

کارآیی نظام بانکی از گستره فعالیت جغرافیایی، رونق در کسب و کار، سطح درآمد سرانه، تعداد بنگاه‌های فعال و حجم مبادلات اقتصادی و تجاری اثر می‌پذیرد. سودآوری بانک‌ها، میزان اعتبارات پرداختی و دسترسی بخش خصوصی به منابع مالی و اعتباری از کارکرد چنین متغیرهایی در فضای مالی اثر می‌پذیرد. فعالیت بانک‌ها در فضای رقابتی از طریق مداخله کمتر دولت، درجه و شدت تمرکز بازار و امکان ورود بانک‌های خارجی از نظر کارآیی و ایجاد رشد فرصت بیشتری خواهد داشت.

پس از انقلاب بانک‌های خصوصی بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، دولتی اعلام شدند. شکل‌گیری موسسه‌های مالی اعتباری از سال ۱۳۶۷ زمینه فعالیت بانک‌های خصوصی را امکان‌پذیر ساخت. بانک مرکزی در سال ۱۳۷۷ موافقت با تأسیس بانک‌های خصوصی را اعلام و در سال ۱۳۷۹ قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی به تصویب رسید. واگذاری سهام بانک‌های دولتی در راستای اجرایی شدن برنامه‌های اصل ۴۴ قانون اساسی آغاز گردید. هدف افزایش رقابت‌پذیری بانک‌ها، بهبود کیفیت خدمات پولی و مالی، گسترش ابزارهای مالی و تشویق پس‌انداز داخلی و مشارکت بخش خصوصی به منظور ارتقای سطح کارایی و بهره‌وری بود.

با گذشت بیش از دو دهه از شکل‌گیری بانک‌های خصوصی، پرسش این است که بانک‌های مذکور تا چه اندازه در مشارکت رشد اقتصادی و ظرفیت‌سازی‌های مرتبط با آن، بهبود فضای خدمات پولی و مالی نقش‌آفرینی داشته‌اند. این نقش تا چه اندازه همگون، کارآمد و اثرگذار بوده است؟

فضای فعالیت بر نظام بانکی در دهه‌های اخیر با چالش‌های گسترده‌ای مانند نظارت ضعیف، فقدان کفایت سرمایه، دخالت‌های دستوری و تکلیفی و متأثر از رفتارهای بخش دولتی در تأمین مالی و اعتباری در سطح خرد و کلان و بدهی‌های انباشت شده روبرو بوده است. نبود زیرساخت‌های اطلاعاتی مدرن، نظارت ضعیف بر عملکرد مالی بانک‌های دولتی، بدهی‌های معوقه دولت و شرکت‌ها به نظام بانکی، تخصیص دستوری و غیرشفاف، پاسخگویی ضعیف، گسترش دارایی‌های سمی نهادهای مالی و فشارهای ناشی از آن بر وضعیت وجوه قابل استقراض و جریان‌های نقدینگی، در کنار بی‌ثباتی‌های مالی و ارزی متوالی متأثر از فشارهای تورمی در نتیجه انتشار پول پر قدرت، کارآمدی فعالیت‌های نظام بانکی را پرسش برانگیز و آسیب‌پذیری آنها را گسترش و بعضاً "شکننده" نموده است.

یکی از تصمیمات دولت در خروج از چنین وضعیتی تغییر ساختار اجرایی نظام تأمین مالی است. فراهم نمودن نقدینگی بنگاه‌های تولیدی و بهبود بخشیدن به وضعیت تقاضای آنان و خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی به منظور رقابت‌پذیری بیشتر در ارائه خدمات مطلوب پولی و مالی از اقدامات مهم در این زمینه است. بهبود کفایت سرمایه و توجه به ارائه خدمات بر مبنای بازدهی طرح‌ها و تغییر فضای دولتی حاکم بر جریان‌های پولی و مالی از دیگر اهداف دولت می‌باشد.

تمایز و تفکیک میان نظام‌های مالی در اثرگذاری بر رشد اقتصادی در قالب نظام‌های بانک محور و سرمایه محور و چگونگی تعامل آنها در ایجاد رشد اقتصادی، در یک سده گذشته مورد مناقشه گسترده اقتصاددانان بوده است (آلن و گیل ۱۹۹۹، گرشنکورن^۲ ۱۹۶۲، اسیگلتنز^۳ ۱۹۸۵). این موضوع حتی امروزه به شدت گذشته تداوم دارد تا کیفیت سیاست‌های اقتصادی در قالب ابزارهای پولی و مالی را بهبود و موجب افزایش کارایی خدمات پولی و مالی شود. (بک و لوین^۴ ۲۰۰۲).

در پژوهش‌های کلان، هوشی^۵ ۱۹۹۱، مورک و ناکامورا^۶ ۱۹۹۹، وینشتاین و یافه^۷ ۱۹۹۸، آرتیس^۸ ۲۰۰۱، بهبود ساختار مالی و افزایش کارایی آن را در رشد اقتصادی آمریکا، انگلستان، ژاپن و آلمان مهم ارزیابی نموده‌اند. برتری نسبی یک نظام مالی بر نظام دیگر از نظر میزان اثرگذاری بر رشد اقتصادی توسط (گلد اسمیت ۱۹۶۹) دمیرگوک- کانت و لوین^{۱۰} (۱۹۹۶) سنجش شده است.

در مقاله حاضر، کارکرد نظام پولی و درجه تناسب آن با گسترش بانکداری خصوصی در قالب الگوی مناسب برآورد و یافته‌ها بر مبنای رویکرد واقعی جریان‌ات مالی و میزان اثرگذاری آنها ارزیابی می‌شود. بخش اول مقاله به مبانی نظری، بخش دوم شواهد تجربی، بخش سوم تصریح مدل و در بخش چهارم یافته‌های تجربی حاصل از برآورد الگو ارائه می‌شود. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی نیز در بخش آخر ارائه می‌شود.

۲- مبانی و رویکرد نظری

اقتصاددانان در مورد اثرگذاری سیستم مالی بر رشد اقتصادی بر کارکرد سیستم مالی از طریق تامین بهنگام به منظور تجهیزات سرمایه‌ای در فرایند صنعتی شدن تأکید دارند. بانک‌ها در زمینه تأمین مالی کارفرمایان برای تولید محصولات جدید و اجرای طرح‌های ابتکاری موجب نوآوری تکنولوژیکی می‌شوند. ابوترابی (۱۳۹۴) معتقد است مالکیت بانکی نقش موثری در توسعه مالی دارد، ضمن آنکه دخالت دولت در بانک‌ها موجب کندی توسعه مالی می‌شود.

در زمینه توسعه خدمات بانکی و اثرگذاری آن بر رشد در خلال سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۶ تانگورای^{۱۱} (2018) توسعه بخش مالی در قالب گسترش خدمات پولی و مالی را برتر از رشد بخشی می‌داند. وی در مناطق هفتگانه (۱) شرق آسیا و اقیانوس آرام، (۲) اروپا و آسیای مرکزی، (۳) آمریکای لاتین و کارائیب، (۴) خاورمیانه و شمال آفریقا، (۵) آمریکای شمالی، (۶) جنوب آسیا و (۷) جنوب صحرای آفریقا در دوره ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۶ و بکارگیری سه

¹F.Allen.and D,Gale

²Gereshenkorn

³J. E. Stiglitz

⁴R, Levine

⁵T, Hoshi, Kashape, A. and Scharfstien,

⁶R, Mork. and Nakkamora ,M,

⁷D. E, Weinstien, and Yafeh, Y

⁸P, Arestis, Demertiades, P. ,and Luintel, K,

⁹R, W, Goldsmith

¹⁰Demirguc-Kunt, A, and Levine, R,

¹¹Tongurai

شاخص توسعه بخش بانکداری در قالب سهم اعتبارات بخش خصوصي توسط بانک‌ها به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، دوم سهم اعتبارات داخلی تأمین شده توسط بخش مالی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی و سوم تعداد شعب بانک‌ها تجاری به ازای هر صد هزار نفر جمعیت بزرگسال به این نتایج دست یافته است. در ارزیابی‌های اثر رشد مالی بر رشد اقتصادی در قالب الگوهای غیرخطی، آیزمن و پارک (۲۰۱۵)، کاروبی^۱ و سچتی^۲ (۲۰۱۲) بوریس و دانک^۳ و کورند^۴ و شی^۵ و همکاران (۲۰۱۵) رابطه بین توسعه بخش بانکی و توسعه صنعتی را با توجه به دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه تبیین نموده‌اند. کشورها در ابتدای فرایند توسعه اقتصادی بر تمرکز مالی پافشاری دارند و به تدریج نهادهای مالی خصوصي گسترش می‌یابد. نایاشا^۶ و ادیانبو^۷ (۲۰۱۴) بر ارتباط متقابل رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی تأکید دارند. توسعه بخش بانکی، موجب توسعه بخش‌های صنعت و کشاورزی و خدمات می‌شود. متقابلاً "توسعه بخش‌ها، موجب توسعه بخش بانکی از طریق انباشت بیشتر مالی، گسترش مبادلات پولی و مالی و بکارگیری ابزارهای جدید می‌شوند.

۳- بررسی پیشینه خصوصي سازی واسطه‌گرهای مالی

سابقه تاریخی گسترش خصوصي سازی نهادهای مالی طیف گسترده‌ای از اقدامات را نشان می‌دهد. این اقدامات برخی سیاستی، پاره‌ای از طریق ابزارهای جدید مالی، بخشی مربوط به ارتقای کیفیت خدمات نهادهای مالی و برخی مربوط به تغییرات ساختاری از طریق تغییر در مالکیت بانک‌ها می‌باشد.

در این راستا، جف تان^۸، در بررسی خصوصي سازی نهادهای مالی در مالزی بویژه در مقوله نظارت، رانت جویی و شکست نظام سیاستی به طرح این پرسش می‌پردازد که انگیزه‌های سیاسی پنهان در اجرای برنامه خصوصي سازی اغلب بر ملاحظات صرفاً اقتصادی تفوق دارند، خصوصي سازی را باید در قیاس با فرهنگ سیاسی اقتصادی حاکم بر یک کشور تحلیل نمود. عملکرد ضعیف خصوصي سازی در کشورهای در حال توسعه عمدتاً به خاطر عملکرد نهادهای ضعیف بازاری، وجود فساد، تبعیض در فرآیند واگذاری‌ها و بعضاً مداخله غیراصولی دولت می‌باشد.

چان شیا^۹، شوچی^{۱۰} و گتفو^{۱۱}، نقش مالکیت خصوصي سازی بر عملکرد بانک‌های چین در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ را به دلیل بازدهی بالاتر بانک‌های تجاری خصوصي نسبت به بانک‌های تجاری دولتی می‌داند. علت ناشی از شیوه مدیریت صحیح منابع مالی و اعتباری و کسب درآمدهای متوالی بر اساس بازدهی و مولد بودن آن‌ها می‌باشد.

¹ Kharroubi

² Cecchetti

³ Denk

⁴ Cournède

⁵ Sahay

⁶ Nayasha

⁷ Odhiambo

⁸ Jef town

⁹ Chanshia

¹⁰ Shoji

¹¹ Getfo

در واقع ساختار رقابتی بازار پولی در گزینش طرح‌های مولد در نظام بانکی نقش محوری دارد. وی با ارزیابی ساختار انحصاری در وام‌دهی و جذب سپرده و هزینه‌های تعدیل بر اساس نرخ بهره بانکی به عنوان عامل هزینه و ریسک منابع مالی می‌پردازد. آثار شوک‌های پولی از طریق واسطه‌گرهای مالی محدودیت رقابت در سپرده‌گذاری می‌شود. از نگاه ایشان، نقش بانک‌ها در شکل‌گیری ادوار تجاری اندک است.

برخی پژوهش‌ها بر نقش شوک‌های پولی در قالب نوسانات متغیرهای پولی در بازار اعتبارات تمرکز کرده‌اند. آندرس و آرس^۱ (۲۰۱۲)، سیاست پولی بهینه را با توجه به ساختار بخش بانکی بررسی و تکنیک‌های اختلال‌ناشی از شوک‌های وام‌دهی بر ثبات و پایداری سیاست اقتصادی را ارزیابی نمودند. طبق یافته‌های آنان، اگر سطح رقابت‌پذیری در ارائه خدمات در صنعت بانکداری بالا باشد، در کوتاه مدت واکنش تولید، هزینه اعتبارات و تغییرات تقاضای بخش مسکن نسبت به شوک‌های بانکی دارای حساسیت شدیدتری است. تشدید رقابت در صنعت بانکی سبب ثبات بالاتر در ستاده و گسترش اعتبارات خواهد شد.

آمیدو و ولف^۲ (۲۰۱۳) در ریشه‌یابی تمرکز در صنعت بانکداری و اثربخشی سیاست پولی بر اقتصاد، دریافتند افزایش سطح رقابت‌پذیری در این صنعت به تضعیف اثربخشی سیاست پولی از طریق مجرای وام‌دهی منجر می‌شود. برامر^۳ (۲۰۱۳) در ارزیابی رقابت در بازار بانکی منطقه یورو بر مبنای شاخص هرفیندال-هیرشمن و تمرکز نسبی پنج بانک بزرگ (CR5) تاثیر آنها در اثربخشی سیاست‌های پولی^۴ دریافتند شدت تمرکز در صنعت بانکی موجب تضعیف عملکرد سیاست‌های پولی بر متغیرهای کلان اقتصاد در حوزه یورو می‌شوند.

یانگ و ساهو^۵ (۲۰۱۶) در ارزیابی گسترش بازاری ابزارهای نظام بانکی بر مبنای شاخص لرنر و شکاف بین قیمت و هزینه خدمات به اثربخشی سیاست پولی در دوره ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴ در کشور چین پرداخته و دریافتند بانک‌ها با قدرت بازاری پایین‌تر، تمایل بیشتری به اعطای وام و حساسیت کمتری به شوک سیاست پولی دارند. به طریقی مشابه، اولیور و لی^۶ (۲۰۱۷) در اثربخشی سیاست پولی از کانال اعطای اعتبارات در اقتصاد ۱۸ کشور در دوره (۱۹۹۶ - ۲۰۱۶) نشان می‌دهند کاهش میزان تمرکز و افزایش رقابت‌پذیری، اثربخشی سیاست پولی از طریق مجرای وام‌دهی را تقویت کرده است. اما گوده‌هارت و کبیری^۷ (۲۰۱۹) در کارایی سیاست‌های پولی و سودآوری بانک‌ها در انگلستان بر ارتباط معکوس بین سیاست‌های پولی با سودآوری بانک‌ها در محیط‌های نرخ بهره پایین و با ثبات تأکید دارند.

در ایران، طیبی (۱۴۰۰) در ارزیابی کارایی بانک‌های خصوصی با بانک‌های دولتی به روش پارامتری، کارایی بانک‌های تجاری دولتی و خصوصی کشور را از نظر کارایی هزینه و کارایی سود اندازه‌گیری کرده است. طبق یافته‌های

^۱ Andres & Ars

^۲ Amido & Wolf

^۳ Bramer & Others

^۴ "effective monetary policy,

^۵ Young & Saho

^۶ Oliver & Li

^۷ Godhart & kabiri

وی، بیشتر بانک‌های خصوصی از نظر سودآوری در مقایسه با بانک‌های دولتی در سطح بالاتری قرار دارند. وی نقش نااطمینانی در تحصیل سود بر عملکرد بانک‌های خصوصی را موثر دانسته است.

دژپسند و امینی (۱۳۹۸) در ارزیابی کارایی بانک‌های خصوصی و دولتی به روش دیوژیا نشان داده‌اند که بهره‌وری کل عوامل در بانک‌های خصوصی به طرز معناداری بزرگتر از بانک‌های دولتی است. آنها نقش متغیرهای سرمایه انسانی، فناوری الکترونیک، مقیاس فعالیت، درجه انجماد دارایی‌های مالی، نسبت مصارف به منابع و رکود و رونق اقتصادی بر بهره‌وری کل عوامل را شناسایی کرده‌اند. در مطالعه آنان درجه انجماد دارایی‌های مالی تاثیر معکوس و کاملاً "معناداری بر بهره‌وری کل بانک‌ها داشته است.

در نقد خصوصی‌سازی بانک‌ها و تاثیرات آن بر کارایی و بهبود عملکرد آنها، لشکری و هژبر الساداتی (۱۳۹۱)، خصوصی‌سازی را به خودی خود در بهبود کارایی کافی ندانسته و موفقیت این فرایند را واگذاری حوزه‌های تصمیم‌گیری و نظارت به بخش خصوصی و دسترسی به شیوه‌های نوین مدیریتی دانسته‌اند. به این تعبیر صرف خصوصی‌سازی تضمینی برای کارایی و بهبود خدمات پولی محسوب نمی‌شود.

مکیان و ایزدی (۱۳۹۴) در ارزیابی توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی در دوره ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۱ با روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده (FMOLS) بر معنادار بودن هر دو متغیر ساختار و توسعه مالی بر رشد اقتصادی تاکید دارند. نظام مالی مبتنی بر بازار ارتباط قوی‌تری بر رشد اقتصادی دارد. در کوتاه مدت توسعه نظام مالی به رشد اقتصادی کمک شایانی نموده، اما در بلندمدت این دو بخش دارای وابستگی و اثرگذاری متقابل هستند. این موضوع فرضیه توسعه یافتگی پاتریک را تأیید می‌نماید.

پارهای پژوهش‌ها به نقش ساز و کار سیاست پولی در فرایند گسترش خصوصی‌سازی به شکل غیرمستقیم پرداخته‌اند. شاهچراغی و کشیشیان (۱۳۹۳) در ارزیابی ساز و کار انتقال سیاست پولی از طریق مجرای وام‌دهی دریافته‌اند که تمرکز از میزان وام‌دهی بانک‌ها کاسته شده و کانال وام‌دهی به عنوان یکی از ساز و کارهای انتقال سیاست پولی تضعیف می‌شود. بهمنی و میرهاشمی (۱۳۹۴) در بررسی مجرای وام‌دهی ناشی از سیاست پولی و محاسبه اثرپذیری سیستم بانکی با استفاده از متغیر نسبت سپرده‌های بانک‌های غیردولتی به کل سپرده‌های بانک‌های مورد بررسی و نسبت وام‌های بانک‌های غیردولتی به کل وام‌های اعطایی بانک‌های نمونه دریافته‌اند که افزایش درجه بازاری شدن شبکه بانکی، میزان اعطای تسهیلات سیستم بانکی افزایش می‌یابد. ارتقای سطح بازاری شدن خدمات پولی، اثربخشی انتقال سیاست پولی از طریق کانال اعطای وام بانکی را تضعیف می‌کند.

در برخی پژوهش‌های داخلی، گسترش بانکداری خصوصی با مقوله ریسک اعتباری و نقدینگی سنجش شده است. عیسوی (۱۳۹۷) در ارزیابی شاخص‌های ثبات و کارایی در یازده بانک دولتی و خصوصی در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵ بر مبنای دو شاخص ریسک اعتباری و ریسک نقدینگی نشان می‌دهند که بهبود شاخص‌های ثبات بخش در اقتصاد، در بهبود کارایی بانک‌ها بدون اثر بوده است. این موضوع از عملکرد نامناسب بانک‌ها در انتخاب پرتفوی دارایی آنها ناشی می‌شود که همزمان ریسک را کاهش و کارایی را بهبود می‌بخشد. چون انتظار می‌رود با کاهش ریسک، سطح سودآوری بانک‌ها در بازار اعتبارات گسترش یابد.

مهرآرا و مهران‌فر (۱۳۹۲) معتقدند تجهیز و تخصیص منابع سرمایه‌گذاری به فعالیت‌های اقتصادی از طریق بازار مالی در قالب بازار اعتبارات بانکی و کارایی آن انجام می‌شود.

در مقایسه اثربخشی ساختار نظام مالی بر رشد اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، ابراهیمی (۱۳۹۳) کارکرد ساختار مالی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نوظهور را در نمونه‌ای متشکل از ۳۹ کشور در دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۰، معنادارتر از کشورهای توسعه یافته می‌داند. در بررسی وی، عملکرد بخش حقیقی در کشورهای در حال توسعه و نوظهور از نظام مالی بازار محور نسبت به نظام مالی بانک محور اثرپذیری بیشتری دارد. توسعه مالی بر رشد اقتصادی تمامی کشورها رابطه مثبت و معناداری داشته و این ضریب در کشورهای در حال توسعه و نوظهور بیشتر از کشورهای توسعه یافته بوده است.

در یک رویکرد متفاوت، نظریان (۱۳۹۶) در اثربخشی متغیرهای کلان بر سطح سودآوری بانک ملی، ارتباط معنادار بین نوسانات چرخه‌های تجاری با سودآوری در این بانک یافته است. در تحلیل وی، در شرایط رکودی و همگام با کاهش سرمایه‌گذاری، کوچک‌سازی در جهت کسب سود بیشتر باید مبتنی بر کیفیت دارایی در شبکه‌های بانکی (کاهش مطالبات مشکوک الوصول، نقد شوندگی سریع‌تر دارایی‌ها، بازدهی بیشتر) باشد و در شرایط رونق، بانک‌ها وضعیت نقدینگی خود را بهبود ببخشند تا با ریسک نقدینگی کمتری روبرو شوند.

سعیدی (۱۳۹۱) در واکاوی اثربخشی اعتبارات بانکی بر اشتغال، نقش نیروی کار در رشد اقتصادی را بالاترین و مطابق انتظارات نظری مثبت دانسته و نقش اعتبارات تکلیفی یا دستوری بر اشتغال را کمتر و اعتبارات غیرتکلیفی را بیشتر دانسته است. اعتبارات غیرتکلیفی بر مبنای بازدهی دارایی‌ها، درجه مولد بودن طرح‌های سرمایه‌گذاری، ساز و کار بازار و بررسی‌های کارشناسی اعطا می‌شود. تسهیلات بانکی به عنوان مکمل سرمایه تولیدکننده نقش مهمی در سرمایه‌گذاری و رشد داشته و یک درصد افزایش در گسترش تسهیلات بانکی، ارزش افزوده را به میزان ۰.۲۷ درصد افزایش می‌دهد.

۴- برآورد پارامترهای الگو

۴-۱ معرفی الگو

رشد ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی از تعاملات مالی و هزینه تامین آن و تسهیل در ساز و کارهای مالی و کیفیت خدمات پولی از طریق گسترش اعطای اعتبارات به متقاضیان این قبیل مطالبات صورت می‌گیرد. در این مطالعه از عرضه اعتبارات بخش غیردولتی به عنوان متغیری درونزا و با ثبات و دارای نقشی تعیین کننده در تأمین تسهیلات مورد نیاز بخش خصوصی در تخمین ضرایب استفاده شده است. شکل کلی الگو به شرح ذیل است:

$$EGR_{i,t} = F(PCR_{i,t}, PRB_{i,t}, EMP_{i,t}, INF_{i,t}, GEO_{i,t}) \quad (1)$$

$$PCR_{i,t} = F(r_i, y_i, \pi_{i,t})$$

$$I_{i,t} = F(r_i, y_i, e_{i,t}, Tech_{i,t})$$

$$GEO_{i,t} = F(y_i, e_{i,t}, INF_{i,t})$$

$$EMP_{i,t} = F(y_i, w_{i,t}, I_{i,t})$$

در الگوی فوق:

$EGR_{i,t}$: نرخ رشد اقتصادی

$PRC_{i,t}$: عرضه اعتبارات و تسهیلات بانکهای غیردولتی

$PRB_{i,t}$: دامنه فعالیت جغرافیایی بانکهای غیردولتی از طریق شعب

$INF_{i,t}$: نرخ تورم سالانه به عنوان عامل نااطمینانی در رشد اقتصادی

$EMP_{i,t}$: نیروی انسانی بانکهای خصوصی و عرضه کنندگان خدمات پولی و بانکی

$GEO_{i,t}$: هزینه های عمومی دولت، مقطع و t زمان مورد بررسی

γ_i : سودآوری، $\pi_{i,t}$: نرخ بهره یا تسهیلات به عنوان هزینه اجاره یا بکارگیری سرمایه، $e_{i,t}$: نرخ ارز و

$w_{i,t}$: نرخ دستمزد می باشد.

روابط الگو بر مبنای تابع کاب داگلاس عبارت است از:

$$EGR_{i,t} = \alpha_i + \beta_i PRC_{i,t} + \gamma_i PRB_{i,t} + \phi_i EMP_{i,t} + \Omega_i INF_{i,t} + \eta_i GEO_{i,t} \quad (2)$$

با گرفتن لگاریتم و مشتق نسبت به زمان شکل خطی تابع رشد به صورت زیر استخراج می شود:

$$EGR_{i,t} = \alpha_i + \beta_i PRC_{i,t} + \gamma_i PRB_{i,t} + \phi_i EMP_{i,t} + \Omega_i INF_{i,t} + \eta_i GEO_{i,t} \quad (3)$$

توسعه مالی از طریق بهبود خدمات تامین مالی طرحهای سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی تأثیر می گذارند. واسطه گره های مالی با گسترش حوزه فعالیت خود به بهبود خدمات نقد شوندگی، تامین نقدینگی بنگاه ها، شناسایی طرح های مولد، رتبه بندی مشتریان و شناسایی درجه ریسک پروژه ها به متنوع شدن اقتصاد و شروع طرح های سرمایه گذاری جدید کمک می کنند. بهبود و رونق کسب و کار مربوط به سرمایه گذاری و افزایش قابلیت های رشد اقتصادی از طریق نهادهای پولی و مالی در کیفیت و متنوع سازی منشاء رشد اقتصادی نقش دارد. این موضوع در سال ۱۹۷۳ توسط مک کینون و شاو و همچنین توسط طیف وسیعی از نظریه پردازان پولی و مالی مانند استیگلیتز (۱۹۸۸)، هوبارد (۱۹۹۸)، لوکاس (۱۹۹۸) و لوین (۱۹۹۷) طرح شده است.

در ایران فعالیت بانک های غیردولتی از سال ۱۳۸۱ شروع شد (بانک های کارآفرین، سامان، اقتصاد نوین، پارسین). از بهمن ۱۳۸۴ بانک پاسارگاد و از شهریور ۱۳۸۵ بانک سرمایه و موسسه اعتباری توسعه). سهم سپرده های بانک های غیردولتی و موسسات اعتباری از ۰/۳ آغاز و با افزایش تعداد شعب و حوزه فعالیت به تدریج افزایش یافت. در سال ۱۳۸۸ به دلیل خصوصی شدن بانک های (ملت، صادرات، تجارت و رفاه کارگران) سپرده های بانک های غیردولتی افزایش چشمگیری داشته و از ۲۳/۸ درصد در سال ۱۳۸۷ به ۶۲/۴ در سال ۱۳۸۸ رسید. در سال ۱۳۹۵ با رشد حدود ۹/۵ درصدی این سهم به ۷۱/۷ درصد رسیده است. بخشی از این افزایش ناشی از بالا

بودن نرخ سود علی الحساب سپرده این بانک‌ها در مقایسه با بانک‌های دولتی، افزایش اعتماد عمومی و ارائه خدمات سریع‌تر و با کیفیت‌تر دانست.

شاخص دوم یعنی «سهم مانده بدهی بخش غیردولتی به بانک‌های غیردولتی از کل مانده بدهی بخش غیردولتی» تا سال ۱۳۸۵ تقریباً یکسان بوده و روند صعودی داشته است. اما این روند تا سال ۱۳۸۷ شیب ملایمی داشته و پس از آن در سال ۱۳۸۸ افزایش بیش از ۲/۵ برابری را تجربه کرده و پس از این جهش با کاهش ۲/۹ واحد درصدی به ۴۹/۳ درصد رسید. این روند صعودی در سال ۱۳۹۵ با افزایش حدود ۱۲/۴ درصدی نسبت به سال قبل به ۵۸ درصد رسید.

پرسش اساسی این پژوهش ارزیابی تاثیر گسترش بانک‌های خصوصی بر رشد اقتصادی در ایران و ارزیابی چگونگی عملکرد آنان و دستاورد آن در دو دهه اخیر است؟ بدون شک گسترش بانکداری خصوصی در تغییر فضای خدمات پولی و مالی کشور از نظر کمیت، گسترش شعب و آشنایی مردم بویژه در مناطق کمتر توسعه یافته نقش مثبتی داشته است. اما تا چه اندازه موجب تحولات بنیادی در عملکرد واسطه‌گرهای پولی و بهبود رشد اقتصادی شده است. به بیان دیگر، دگرگونی در رشد با ایجاد بانکداری خصوصی تا چه اندازه واقعیت داشته است؟ چون در دو دهه اخیر روند رشد اقتصادی منفی بوده است و برای کارکرد مطلوب گسترش تامین مالی خصوصی به طیف وسیع و گسترده‌ای از سیاست‌های مکمل رشد برای پایداری و نگهداشت آن نیاز است (رودریک، ۱۹۹۹).

۲-۴ داده‌های پژوهش

نمونه مورد بررسی شامل بانک‌های غیردولتی شامل ۶ بانک صادرات، تجارت، ملت، بانک شهر، پارسیان و اقتصاد نوین می‌باشند. بازه زمانی مورد مطالعه از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. آمارهای مورد نیاز از تراز نامه بانک‌های منتخب، سایت بانک مرکزی و مرکز آمار ایران و بازار بورس اوراق بهادار استخراج شده است.

۳-۴ بررسی پایایی متغیرها

جهت تخمین یک الگوی با ثبات و معتبر، ابتدا پایایی متغیرهای الگو بر اساس آزمون لوین، لین و چو (LLC) جهت تعیین ریشه واحد در داده‌های پانل ارزیابی می‌شود. نتایج حاصل از آزمون پایایی متغیرهای الگو در جدول ۱ نمایان است. تمام متغیرها در سطح پایا هستند.

جدول ۱- آزمون پایایی متغیرها در الگوی اول (با استفاده از آزمون لوین، لین و چو)

متغیر	نماد	آماره t	احتمال	وضعیت
نرخ رشد اقتصادی	EGR	-۱/۳۷۳۴	۰/۰۸۴۸	ناپایا
عرضه اعتبارات و تسهیلات بانک‌های غیردولتی	PRC	-۳/۳۷۵۲	۰/۰۰۰۴	پایا
دامنه فعالیت جغرافیایی بانک‌های غیردولتی	PRB	-۷/۰۹۱۶	۰/۰۰۰۰	پایا
نیروی انسانی شاغل در بانک‌های خصوصی	EMP	۰/۲۵۶۱	۰/۶۰۱۱	پایا

متغیر	نماد	آماره t	احتمال	وضعیت
هزینه های عمومی دولت	GOE	-۶/۲۵۶۸	۰/۰۰۰۰	پایا
نرخ تورم سالانه به عنوان عامل نااطمینانی	INF	-۲/۲۷۹۹	۰/۰۱۱۳	پایا

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۴ تصریح مدل

تشخیص خودهمبستگی الگو بر اساس آماره موران و جری انجام و هر دو با کمیت ۰/۹۴۹۷ و ۰/۰۵۸۲ و احتمال ۰/۰۰۰۰ تایید کننده تصریح الگو است. تشخیص خودهمبستگی فضایی از آماره موران و جری از طریق رابطه (۲) بدست می آید:

$$I = \left(\frac{n}{\sum_i \sum_j w_{ij}} \right) \left(\frac{\sum_i \sum_j w_{ij} (x_i - \bar{x})(x_j - \bar{x})}{\sum (x_i - \bar{x})^2} \right) \quad (2)$$

که i و j شاخص‌های تبیین گر موقعیت فضایی واحدها و w_{ij} ماتریس وزن متغیرها را نشان می‌دهد. چنانچه آماره موران معنادار باشد، باید تاثیرات فضایی در تصریح مدل لحاظ شود. اگر این آماره از میانگین آن بزرگتر باشد، حاکی از خودهمبستگی مثبت است و بالعکس. خودهمبستگی مثبت نشان می‌دهد که دسته‌بندی فضایی دارای اندازه‌های یکسان است و افزایش یک متغیر در یک منطقه باعث افزایش همان متغیر در مناطق همجوار است. به عبارت دیگر، بانک‌هایی که مرادوات بیشتری با هم دارند، از یک الگوی رشد تبعیت می‌کنند و رشد بالا در یک بانک منجر به رشد بالا در شرکای تجاری آنها نیز می‌شود.

آماره جری جهت تشخیص خودهمبستگی فضایی مشابه آماره دوربین واتسون بوده و H_0 آن عدم خودهمبستگی فضایی را نشان می‌دهد. مقدار آماره بین صفر و دو و آماره کمتر از یک نشان دهنده خودهمبستگی مثبت و آماره بیش از یک نشان دهنده خودهمبستگی منفی است.

طبق جدول ۲ مقدار آماره موران در بانک‌های دولتی مثبت و دارای کمیتی بزرگتر از میانگین است. مقدار آماره جری معنادار و کمتر از یک است و هر دو آماره دارای خودهمبستگی مثبت هستند. بانک‌هایی که مرادوات مالی و پولی بیشتری با یکدیگر دارند از یک رویه رشد پیروی می‌کنند. به این اعتبار یا هر دو دارای رشد بالا هستند و یا هر دو دارای رشد پایین می‌باشند.

۴-۵ تشخیص الگو

بر اساس آزمون والد استفاده از الگوی خودرگرسیون فضایی تایید می‌شود. این آماره ۲۳/۹۷۵۶ و با احتمال بالای ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود.

۴-۶ تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی

پس از تعیین پایایی متغیرها و تشخیص نوع مدل پانل فضایی به تخمین مدل اصلی پرداخته می‌شود. در تخمین مدل پانل، بکارگیری آزمون هاسمن ضروری است. این آزمون چگونگی استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی را نشان می‌دهد. اگر احتمال بدست آمده از این آزمون کمتر از ۵ درصد باشد، از آزمون اثرات ثابت فضایی و اگر احتمال بدست آمده از آزمون بیشتر از ۵ درصد باشد، از روش اثرات تصادفی فضایی استفاده می‌شود. آماره آزمون هاسمن فضایی $37/68$ با احتمال پذیرش بالای ۹۹ درصد نشان می‌دهد که با تخمین مدل می‌توان از اثرات ثابت فضایی استفاده کرد.

۴-۷ تفسیر یافته‌ها

در جدول ۲ نتایج پارامترهای الگو برآورد شده است. طبق یافته‌ها، ضریب متغیر سهم اعتبارات بانک‌های غیردولتی بر رشد اقتصادی مثبت و برابر $0/09$ است. به ازای یک واحد افزایش در سهم اعتبارات بانک‌های غیردولتی، رشد اقتصادی $0/09$ واحد بیشتر می‌شود. بخش بانکی با جمع‌آوری منابع مازاد از خانوارها و اعطای اعتبارات به سرمایه‌گذاران دارای ایده‌های درخشان در کسب و کار و تولید، به آنها کمک می‌کنند. سازماندهی و هدایت اعتبارات، مبادلات تجاری و بازرگانی و تامین نقدینگی بنگاه‌های تولیدی و تسهیل آن، موجب گسترش کارایی منابع مالی و اقتصادی در بازارها و رشد و شکوفایی اقتصادی می‌شوند.

جدول ۲- ضریب اثرگذاری گسترش اعتبارات غیردولتی بر رشد اقتصادی در ایران

نوع ضرایب	متغیر	نماد	ضریب	آماره	احتمال
ضرایب مستقیم	سهم اعتبارات غیردولتی	PRC	$0/0960$	-	-
	دامنه فعالیت جغرافیایی بانک‌های غیردولتی	PRB	$0/00001$	$0/04$	$0/956$
	تعداد کارکنان بانک‌های غیردولتی	EMP	$0/0006$	$0/50$	$0/614$
	نرخ تورم به عنوان عامل نااطمینانی	INF	$0/0114$	$50/97$	$0/000$
	هزینه‌های عمومی دولت	GEO	$0/1356$	$147/63$	$0/000$
ضرایب غیرمستقیم	سهم اعتبارات غیردولتی	PRC	$-0/1050$	$-95/06$	$0/000$
	دامنه فعالیت جغرافیایی بانک‌های غیردولتی	PRB	$0/00006$	$0/15$	$0/883$
	نیروی انسانی شاغل در بانک‌های خصوصی	EMP	$0/0006$	$0/41$	$0/685$
	نرخ تورم به عنوان عامل نااطمینانی	INF	$-0/0103$	-	-
	هزینه عمومی دولت	GEO	$-0/12541$	-	-
Mean of fixed effects= $0/3057$ $R^2=0/8409$					

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بانک‌ها و موسسات مالی از طریق تجمیع و تجهیز منابع سرمایه‌ای و تخصیص آنها بر رشد اقتصادی چرخه رشد اقتصادی را تقویت نموده و نظام کارآمد مالی، جریان سرمایه را از پس‌اندازکنندگان به وام‌گیرندگان و به سوی بخش‌های مولد و سودآور هدایت می‌کنند. بهره‌وری بیشتر سرمایه‌گذاری، نرخ رشد اقتصادی بالاتر را به دنبال دارد. در عین حال، رشد و سرمایه‌گذاری بیشتر موجب مخاطرات کمتر در تولید و پایداری بیشتر آن و توزیع متعارف‌تر ریسک بین کارگزاران و مشارکت‌کنندگان می‌شود.

طبق برآوردها، ضریب متغیر گسترش تعداد شعب بانک‌های غیردولتی به عنوان نمادی از تأثیر اندازه کمی فعالیت جغرافیایی بانک‌های غیردولتی دارای اثری مثبت بر رشد اقتصادی ولی اندک (۰/۰۰۰۰۱) است. ضریب متغیر تعداد کارکنان بانک‌های غیردولتی ۰/۰۰۰۶ است. در این متغیر سابقه، میزان مهارت و تجربه کارکنان منظور نشده و به نوعی بهره‌وری آنان یکسان فرض شده که در دنیای واقعی برای ارزیابی کارایی فرض معقولی نیست. این ضریب در بانک‌های دولتی منفی (۰/۰۰۴۹) و نشان دهنده نیروی کار مازاد و متورم و در عین حال دارای بهره‌وری پایین می‌باشد.

ضریب اثرگذاری متغیر هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی ۰/۲۶ است. با افزایش یک واحدی در هزینه‌های دولت، رشد اقتصادی ۰/۲۶ واحد بیشتر می‌شود. تحلیل دقیق‌تر این موضوع با اتکا به مشاهدات میدانی، برآورد الگوهای خرد اقتصادی و بین‌بنگاهی امکان‌پذیر است.

در سطح کلان، تسهیلات اعطایی توسط بانک‌های غیردولتی به بخش مولد و دارای بازدهی اقتصادی نتیجه‌بخش است. صرف افزایش اعتبارات نقش موثری در تسهیل تامین مالی در اقتصاد و به تبع آن رشد اقتصادی نخواهد داشت. این موضوع زمانی اتفاق می‌افتد که اعتبارات به بخش‌های تولیدی تزریق نشود و در قالب افزایش تقاضای مصرفی در سطح کلان به صورت فشار تورم ناشی از تقاضا، بر بی‌ثباتی‌های موجود در اقتصاد بیفزاید و موجب بی‌ثباتی سایر بازارها و نامتعادل‌تر شدن آنها شود. در برآورد آثار غیرمستقیم متغیر اعطایی اعتبارات توسط بخش خصوصی و منفی بودن آن در قالب آثار سرریز و جانبی (۱۰۵/-)، این موضوع مشاهده می‌شود.

ضرایب غیرمستقیم یا ضرایب بخش دوربین فضایی، برای متغیر تعداد شعب بانک‌های غیردولتی برابر ۰/۰۰۰۰۶ و برای ضریب متغیر تعداد کارکنان بانک‌های غیردولتی برابر ۰/۰۰۰۶ است. در هر دو مورد ضرایب غیرمستقیم بسیار پایین و از نظر آماری فاقد معنا هستند.

این ضریب برای متغیر تورم معادل ۰/۰۱۰۳- است. با افزایش یک واحدی در تورم، رشد اقتصادی ۰/۰۱۰۳ واحد کمتر می‌شود. تورم هزینه رشد شتابان اقتصادی محسوب می‌شود و در ناپایداری، بی‌ثباتی و بدتر نمودن توزیع درآمد در درون اقتصاد نقش دارد.

در این زمینه توبین^۱ (۱۹۶۵) ارتباط بین تورم و رشد پول را به عنوان یک دارایی جانشین سرمایه وارد مدل سولو-سوان کرد. (برانسون، ۱۹۷۲) چون تورم هزینه فرصت نگهداری پول را افزایش داده و با افزایش آن انباشت سرمایه و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. استوکمن^۲ (۱۹۸۱) پول را مکمل سرمایه دانسته و نتیجه می‌گیرد که تورم

^۱ . Tobin

^۲ . Stockman

اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. گومه^۱ (۱۹۹۳) و جونز و منوئلی^۲ (۱۹۹۵) نیز پول را به عنوان محدودیت بودجه در الگوی خود منظور نموده‌اند. آنها با در نظر گرفتن انباشت سرمایه استنباط می‌کنند که افزایش نرخ تورم با کاهش سطح مصرف و کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از آن و تقاضای کمتر برای نیروی کار مشتق از تولید، نرخ‌های پایین‌تر رشد و سطوح پایین‌تر اشتغال را به دنبال خواهد داشت. گریگوریو^۳ (۱۹۹۳) پول را به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های مبادلات توسط خانوارها و بنگاه‌ها ذکر می‌کند. چون افزایش تورم موجب نگهداری منابع پولی توسط بنگاه‌ها می‌شود، هزینه‌های معاملاتی افزایش یافته و اثرات منفی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهد داشت.

ضرایب غیرمستقیم متغیر هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی منفی و برابر ۰/۱۲۵۴- است. با افزایش یک واحدی در هزینه‌های دولت، رشد اقتصادی ۰/۱۲۵۴ واحد کمتر می‌شود. افزایش هزینه‌های جاری دولت از جمله هزینه‌های پرسنلی، اداری و انتقالی نمی‌تواند منجر به رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت شود و در بلندمدت از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت و بهبود بهره‌وری سرمایه انسانی اثرات خود را به جا می‌گذارند. بودجه جاری دولت تا حدود زیادی تحت تأثیر رشد اعتبارات بخش‌های اجتماعی مانند آموزش، بهداشت و درمان و نیز حجم یارانه‌های اعطایی است.

به رغم ثابت ماندن نرخ رشد جمعیت کشور، انتظار می‌رود اعتبارات جاری بخش‌های اجتماعی بودجه دولت به منظور پوشش شمار بیشتری از جمعیت فزاینده کشور و ارتقای کیفیت این خدمات، حفظ و نگهداشت آن، روند افزایشی خود را تداوم ببخشد. طبق ضریب تعیین مدل ۸۴ درصد از تغییرات رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته از متغیرهای مستقل الگو اثر می‌پذیرند.

۵- سنجش اثرگذاری گسترش اعتبارات دولتی بر رشد

در نمونه مورد بررسی ضریب برآوردی متغیر سهم اعتبارات اعطایی توسط بانک‌های دولتی برابر ۰/۱۹ است. با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحدی در سهم اعتبارات توسط بانک‌های دولتی، رشد اقتصادی ۰/۱۹ واحد بیشتر می‌شود. این ضریب در بانک‌های خصوصی در نمونه مورد بررسی ۰/۰۹ می‌باشد. بر اساس برآوردهای الگو، در یک دهه اخیر ضریب اثرگذاری بانک‌های دولتی در گسترش اعتبارات بر رشد اقتصادی بیش از دو برابر بانک‌های خصوصی بوده است. این ضریب با توجه به سهم گسترده بانک‌های دولتی و مناسبات سنتی دولت با آنها در قالب نگهداشت حساب‌های دولتی در این بانک‌ها و سابقه تاریخی فعالیت آنها قابل توجیه است. اما اگر فکر کنیم که بدون تغییرات نهادی و صرف خصوصی‌سازی بانک‌ها تمام مشکلات تامین مالی درست را برآورده می‌سازد، به خطا رفته‌ایم.

^۱ . Gomme

^۲ . Jones & Manuelli

^۳ . De Gregorio

جدول ۳ - ضريب اثرگذاري گسترش اعتبارات دولتي بر رشد اقتصادي در ايران

نوع ضرايب	متغير	نماد	ضريب	آماره	احتمال
ضرايب مستقيم	سهم اعتبارات غيردولتي	PRC	۰/۱۹۶۶	-	-
	دامنه فعاليت جغرافيايي بانکهاي غيردولتي	PRB	۰/۰۲۸۵	۲/۷۱	۰/۰۰۷
	تعداد کارکنان بانکهاي غيردولتي	EMP	-۰/۰۰۴۹	-۰/۴۸	۰/۶۲۹
	نرخ تورم به عنوان عامل نااطميناني	INF	۰/۰۲۲۳	-	-
	هزينههاي عمومي دولت	GEO	۰/۲۶۳۵	-	-
ضرايب غيرمستقيم	سهم اعتبارات غيردولتي	PAC	۰/۰۰۰۵	۰/۰۳	۰/۹۷۹
	دامنه فعاليت جغرافيايي بانکهاي غيردولتي	PAB	۰/۳۴۴۷	۳/۴۲	۰/۰۰۱
	تعداد کارکنان بانکهاي غيردولتي	EMP	-۰/۲۰۰۰	-۳/۵۰	۰/۰۰۰
	نرخ تورم به عنوان عامل نااطميناني	INF	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۲	۰/۹۸۷
	هزينههاي عمومي دولت	GEO	۰/۰۰۰۵	۰/۰۳	۰/۹۷۷
$R^2=۰/۹۲۵۳$					

منبع: يافته هاي پژوهشگر

ضريب متغير تعداد شعب بانکهاي دولتي ۰/۰۲ است. با افزايش يك واحدی در تعداد شعب بانکهاي دولتي، رشد اقتصادي ۰/۰۲ واحد بيشتر می شود. با توجه به اينکه تامين مالي بنگاهها در اقتصاد ايران از محل نظام بانكي است و به دليل پررنگ نبودن نقش بازار سرمايه و بازار پول (دو کانال تامين منابع در نظام اقتصادي) در تامين مالي و نبود جايگزين مناسب تامين مالي بانكي، نظام تامين مالي بنگاهها و بخشهاي اقتصادي، بانک محور بوده و بانکها مسئوليت زيادي در تامين مالي بنگاههاي کوچک و بزرگ و همچنين تامين مالي کوتاه مدت و بلندمدت برعهده دارند.

لذا بهره گيري از ابزارها و ظرفيتهاي جديد به شيوه درست در اقتصاد در اولويت قرار دارد که از جمله اين ابزارها در هر يك از دو نظام بانک محور يا سرمايه محور، کانالهاي ارائه خدمات مالي به مشتريان است. لازمه ارائه خدمات مناسب در اقتصاد بانک محور، تسلط بر مؤلفههاي مؤثر بر تجهيز منابع مالي است. يکي از اين مؤلفههاي تاثيرگذار بر تجهيز منابع پولي در دنياي جديد مشتري مدار، توجه به مطلوبيت ايجاد شده به واسطه تعداد و محل استقرار مکاني بانکها و موسسات مالي و اعتباري است. محيط فيزيکي بانکها يعني همان شعب محرک ديداري در مورد کيفيت خدمات بانكي بودند و حتي اگر ارتباطي با عرضه واقعي خدمات هم نداشتند باز هم به عنوان اصلي ترين و قابل اعتمادترين کانال ارتباطي بين مشتريان و بانکها محسوب می شدند. بنابر اين شعب بانکها با ايفاي مديريت امور بانكي و با توجه به افزايش و شدت رقابت در ارائه خدمات در محلهاي مورد نظر مشتريان، عملي تعيين کننده در جذب و نگهداري مشتريان بودند. به همين دليل بانکها مانند ديگر سازمانها خدماتي به ايجاد شعب در مناطق مختلف پرداخته تا ضمن ارائه خدماتي بهتر، حوزه وسيع تري را تحت پوشش قرار دهند.

در گذشته بانک‌ها با توجه به زیرساخت‌های مالی و عملیاتی و همچنین پراکندگی جغرافیایی مجبور بودند جهت ارائه خدمت ملموس به تمامی مشتریان، تعداد شعب زیادی داشته باشند. بر این اساس تعداد بیشتر شعب به عنوان یک مزیت نسبت به رقبا محسوب می‌شد. به خصوص بانک‌های دولتی با توجه به درآمدهای نفتی و بدون در نظر گرفتن توجیه اقتصادی و با چانه‌زنی‌های مخصوص و مناسبات اقدام به افتتاح شعب می‌کردند.

ضریب برآوردی متغیر تعداد کارکنان بانک‌های دولتی منفی و برابر $-0/004$ است. این موضوع بیان می‌کند که با افزایش یک واحدی در تعداد کارکنان بانک‌های دولتی، رشد اقتصادی $0/004$ واحد کمتر می‌شود. امروزه رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش فضا، مکان و زمان را تغییر داده است.

ضریب برآوردی برای متغیر هزینه‌های دولت $0/26$ است. رابطه بین مخارج دولتی و رشد اقتصادی به کارایی ساختار دولت و مدیریت حاکم بر آن بستگی دارد. عدم دستیابی به رشد اقتصادی پایدار اقتصادی نه تنها ایجاد مشکلات اقتصادی مانند رکود و بیکاری را موجب می‌شود، بلکه مشکلات فرهنگی سیاسی و اجتماعی را نیز در پی خواهد داشت. استفاده از ابزارهای مختلف مانند مخارج دولت، با وجود اینکه از هر دو جنبه تئوری و تجارب عملی کشورها آثار تورمی افزایش مخارج دولتی اثبات گردیده، یکی از مباحث قابل توجه در راستای امکان دستیابی به رشد اقتصادی است.

در خصوص ضرایب غیرمستقیم یا ضرایب بخش دوربین فضایی، نتایج نشان می‌دهند که ضریب متغیر سهم اعتبارات بانک‌های دولتی بر رشد برابر $0/0005$ است. با افزایش یک واحدی در سهم اعتبارات بانک‌های دولتی، رشد اقتصادی $0/0005$ واحد بیشتر می‌شود. ضرایب غیرمستقیم برای متغیر تعداد شعب بانک‌های دولتی مثبت و برابر $0/34$ است. ضرایب غیرمستقیم برای متغیر تعداد کارکنان بانک‌های دولتی منفی و برابر $-0/20$ است. ضرایب غیرمستقیم برای متغیر تورم برابر $0/00009$ است و با افزایش یک واحدی در تورم، رشد اقتصادی $0/00009$ واحد بیشتر می‌شود. ضرایب غیرمستقیم برای متغیر هزینه‌های دولت مثبت و برابر $0/0005$ است.

۶- نتیجه‌گیری

برغم گسترش خدمات پولی با فعالیت بانک‌های غیردولتی در ایران و افزایش سهم آن‌ها از گسترش اعتبارات، هنوز هم مهم‌ترین مشکل بنگاه‌ها در سطح کلان در ایران مشکل تأمین مالی است که از کارکرد نظام بانکی به طور کلی و بانک‌های غیردولتی و دولتی به صورت خاص آسیب می‌پذیرند. آنچه مشخص است کارایی بانک‌ها از فضای حاکم بر کسب و کار در اقتصاد اثر می‌پذیرند. در مقایسه با نظام بانکی کشورهای توسعه یافته، در سطح کلان هرگونه بهبود یا تغییر عملکرد در مرحله اول مبتنی بر آرامش در مناسبات و روابط خارجی می‌باشد که بر محدودیت جریان‌های مالی داخلی و بین‌المللی نقش دارند.

همچنین بهبود در کیفیت مقررات اجرایی در کارایی بانک‌ها نقش دارد. برای نمونه، در سال ۲۰۲۰ رتبه ایران در شروع کسب و کار ۱۲۷، دریافت اعتبار ۱۰۴، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد ۱۲۸، اجرای قراردادهای ۹۰ و ورشکستگی و پرداخت بدهی رتبه ۱۳۳ می‌باشد. (کتاب توسعه، ۱۳۹۹) بخشی از عملکرد این شاخص‌ها در گرو رفتار متکی بر عرف و قانون و اخلاق توسط نظام بانکی صورت می‌گیرد. امروزه در نظام‌های مالی و پولی پیشرو

سرعت، شفافیت و اعتماد متقابل نقش مهمی در عملکرد نظام بانکی ایفا می‌کند. این شاخص‌ها در ایران نسبت به گذشته تاریخی خود تغییر کرده‌اند. اما در مقایسه با استانداردهای متعارف جهانی شکاف قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. بهبود این گونه خدمات در بلندمدت از طریق رفع موانع نهادی و انعطاف ناپذیرهای نهفته در سیستم بر رشد اقتصادی پایدار بر گسترش کسب و کارهای مولد و دارای بازدهی مناسب اثر قابل توجهی داشته و موجب می‌شود تا از توهّم صرف گسترش بانکداری غیردولتی بر رشد اجتناب نموده و به واقعیت‌های مبتنی بر رفع موانع تسهیل‌گری و بهبود فرایندهای اجرایی که ارتقای کیفیت نهادی را به دنبال دارد، معطوف شویم.

از نظر هزینه خدمات و نرخ تسهیلات به دلیل تورم‌های مزمن و نهادینه شده و مخاطرات اخلاقی، اگر چه بازارهای پولی از نظر رسمی شدن بهبودهایی را تجربه کرده‌اند، اما هنوز هم سطح ارائه خدمات با استانداردهای جهانی شکاف‌های قابل ملاحظه‌ای دارند. متأسفانه، بانک‌های خصوصی در ایران نه به دنبال توسعه، سود معقول و ارائه خدمات متناسب هستند، بلکه به دنبال افزایش نرخ خدمات خود در مقایسه با بخش دولتی هستند و عملکرد موجه و متمایزی از جانب آنان مشاهده نمی‌شود. یک راه اساسی برای ارتقای سطح خدمات بانک‌های غیردولتی، اجازه فعالیت به بانک‌های خصوصی خارجی است تا مقوله رقابت‌پذیری که کارکرد درونی بانک‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، گسترش یابد. هم‌زمان رفع موانع نهادی در بهبود کیفیت خدمات و ایجاد ثبات در عرصه کلان اقتصاد موجبات کارکرد بهتر سیستم را فراهم می‌آورد.

از طرف دیگر، عاملی که در سطح کلان کارایی فعالیت بانک‌های غیردولتی را افزایش می‌دهد، کاهش نرخ تورم و ساماندهی بازار پول است. ساماندهی بازار پول، منوط به شفافیت در اعمال سیاست‌های پولی مناسب است. عواملی نظیر تحریم بر مناسبات شفاف و ایجاد نااطمینانی اثرگذار است. به یقین گسترش فضای رقابتی، قانون‌مندی و انضباط‌گرایی به همراه پاسخ‌گویی در بهبود عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی و اصلاح فرایندهای معیوب بویژه در مورد دارایی‌های سمی و بدهی‌های انباشت شده از طریق اصلاحات ساختاری و نهادی در دوره زمانی قابل تعریف در گسترش کارایی سیاست‌های پولی و مالی اثرگذاری چشم‌گیری خواهد داشت.

فهرست منابع

ابراهیمی سجاد (۱۳۹۳)، اثر ساختار نظام مالی بر رشد اقتصادی، پژوهش‌های اقتصادی دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۳۴

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸)، اداره اطلاعات بانکی، دایره تهیه و تنظیم آمار، تهران، ایران
پویش فکری توسعه، کتاب توسعه، ۱۳۹۹، درخشان، رنانی و همکاران، نشر مکتوب فرهنگ مردم
تفضلی، فریدون (۱۳۸۸)، تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر، چاپ نهم، تهران، نشر نی
دژپسند فرهاد، امینی علیرضا، احمدی کبیر مهدی، (۱۳۹۸) تحلیل عوامل موثر بر بهره‌وری کل عوامل، مطالعه موردی بانک‌های تخصصی تجاری دولتی و خصوصی در ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۹۸

- سعیدی پرویز (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال، پژوهش‌نامه اقتصاد کلان (پژوهش‌نامه علوم اقتصادی) دوره ۷، شماره ۱۴؛ از صص ۸۵-۱۰۲
- شاه‌چراغی، م، کشیشیان، ل (۱۳۹۳) اثرات هم‌زمان تمرکز بانکی و سیاست پولی بر مجرای وام‌دهی بانک‌ها در نظام بانکداری ایران، پژوهش‌های پولی-بانکی، سال هفتم، شماره ۱۹، بهار، صص ۲۷-۵۰.
- صافی دستجردی داوود، طیبی سیدکمیال، الهی ناصر (۱۴۰۰) نااطمینانی نرخ سود تسهیلات و تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال نهم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲، پیاپی ۳۳.
- عیسوی، م، تار، ف، انصاری سامانی، ح و عموزاد خلیلی، ح. (۱۳۹۷) رابطه بین شاخص‌های ثبات با کارایی فنی بانک‌های ایران طی سال‌های (۱۳۹۵-۱۳۸۳) فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۴، صص ۲۰-۱.
- مکیان، سید نظام‌الدین؛ ایزدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، بررسی رابطه توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی، پژوهش‌های اقتصادی ایران سال بیستم، شماره ۶۲
- مهرآرا، محسن و مهران فر، مهدی (۱۳۹۲). عملکرد بانکی و عوامل کلان اقتصادی در مدیریت ریسک، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱.
- نظریان، ر، محرابیان، آ و مرادی، ب (۱۳۹۶)، بررسی اثر چرخه‌های اقتصادی بر عملکرد بانک‌ها در ایران مطالعه موردی بانک ملی ایران (۱۳۹۳-۱۳۶۸)، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۱ شماره ۴۰، صص ۱۳۸-۱۱۷.
- هژبر الساداتی سید مرتضی، لشکری محمد، (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر عرضه اولین بانک‌های دولتی بر بانک‌ها و شرکت‌های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار، نشریه بورس اوراق بهادار، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱۷
- Aizenman, J., Jinjarak, Y., Park, D., (2015). Financial Development and Output Growth in Developing Asia and Latin America: A Comparative Sectoral Analysis, NBER. Working Paper No. 2017. National Bureau of Economic Research, Cambridge, Massachusetts
- Allen, F. and Gale, D. Comparing Financial System. Cambridge, MA: MIT Press., 1999
- Arestis, P., Demertiades, P., and Luintel, K. "Financial Development and Economic Growth: The Role of Stock Markets", Journal of Money. Credit and Banking, 33(1), (2001).
- Athanasoglou, P.P., Brissimis, S.N., Delis, M.D., (2008). Bank-specific, industry-specific and macroeconomic determinants of bank profitability. Journal of International Financial Markets, Institutions and Money 18, 121-136.
- Andres, J. and O. Arce (2008), Banking Competition, Housing Prices and Macroeconomic Stability, mimeo, Bank of Spain.
- Amidu, M., Wolfe, S. (2013). "Review of Financial Economics The Effect of Banking Market Structure on the Lending Channel: Evidence from Emerging Markets." 22:2002-4
- Andre's Javier and Oscar Arce (2012), Banking Competition, Housing Prices and Macroeconomic Stability, The Economic Journal, 122 (December), 1346- 1372. Doi:10.1111/j.1468-0297.2012.02531.x.
- Brämer, P., Gischer, H., Ritcher, T., Weib, M., (2013); "Competition in Bank's Lending Business and Its Interference with ECB Monetary Policy", Journal of International Financial Markets, Institutions & Money 25: 144-162.
- Beck, T. and Levine, R. "Stock Market, Banks and Growth: Panel Evidence", Nber Working Paper, Series NO.9082. Cambridge, Mass: National Bureau of Economic Research

- Beck, T., Levine, R., (2002). Industry growth and capital allocation: Does having a market- or bank-based system matter? *Journal of Financial Economics* 64, 147-180.
- Bekaert, G., Harvey, C.R., Lundblad, C., (2005). Does financial liberalization spur growth? *Journal of Financial Economics* 77, 3-55.
- Boris Cournede & Oliver Denk (2015) *Finance and Economic Growth in OECD and G20 Countries*
- Goodhart, C.A. and Kabiri, A. (2019), *Monetary Policy and Bank Profitability in a Low Interest Rate Environment: A Follow-up and a Rejoinder*, CEPR Discussion Papers 13752.
- Gereshenkorn, A. *Economic Backwardness in Historical Perspective. A Book of Essay*, Cambridge, M A, Harward University Press, 1996.
- Hoshi, T. Kashape, A. and Scharfstien, D. "Corporate Structure, Liquidity and Investment: Evidence from Japanese Industrial Groups", *Quarterly Journal of Economics*, 106(4), (1991).
- Jun Yang and Hanhua Sha. (2016) "Impact of bank competition on the bank lending channel of monetary transmission: Evidence from China." *International Review of Economics & Finance*, vol.43, issue C, pages 468-481
- JittimaTongurai(2018) The impact of the banking sector on economic structure and growth *International Review of Financial Analysis*, Volume 56, March 2018, Pages 193-207
- Levine, R. "Bank Base and Market Base Financial System, Which is better?" *Journal of Financial Intermediations*, 11(4), (2002).
- Mork, R. and Nakkamora, M. "Banks and Corporate Control in Japan", *Journal of Finance*, (1995).
- Sheilla Nyasha & Nicholas M. Odhiambo (2014) *The Impact of Banks and Stock Market Development on Economic Growth in South Africa: An ARDL-bounds Testing Approach* • *Contemporary Economics*• Vol. 9 Issue 1 2015 93-108
- Stephen Cecchetti & Enisse Kharroubi, (2012). "Reassessing the impact of finance on growth," *BIS Working Papers* 381, Bank for International Settlements. Monetary and Economic Department
- Stiglitz, J. E. "Credit Markets and the Control of Capital", *Journal of Money, Credit, and Banking*, 17(1), (1985).
- Weinstien, D. E. and Yafeh, Y. "On The Costs Of a Bank Center Financial System: Evidence From The Changing Bank Relations In Japan", *Journal Of Finance*, 53(4), (1998).
- William H. Branson (1994) *Macroeconomic Theory and Policy* Addison Wesley; 2250, 2nd edition.

The Outcomes of Two Decades Private Banking Expansion on Economic Growth in Iran (Reality or Illusion)

Shakib Salimi Mojaveri¹
Mohammadreza Nahidi Amirkhiz²
Siavash Jani³
Roghieh Hassanzadeh⁴

Received: 2025-Dec-21

Accepted: 2026-Feb-20

Abstract

Banking system plays a basic role in economies performances through financing investment, better services, expansion competitiveness and new atmosphere. In this study, the effectiveness of private Banks expansions on well- behaving of Monetary System performance and economic growth has estimated versus public banks in Iran. Using conventional econometric Spatial VAR Panel methods during (2009-2019), the findings show that private credit expansion coefficient on economic growth is 0.09 and public banks is 0.19. In spite of the estimated coefficient, the share of private banks in credit supplying has increased dramatically in money market in two last decades. Money markets services in Iran has enhanced from view of transparency, competitiveness level and internal supervisory during determined period, but it has considerable drag with conventional services quality in word banking system. The high rate cost of Credit Expansion is yet a challenging to Iranian Banking Systems.

Keywords: Privatization effectiveness, institutional barriers to financing, economic growth

JEL classification: G10, G21

¹ Department of Economics, Mi.C., Islamic Azad University, Mianhe, Iran. shakibsm@yahoo.com

² Department of Economics, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding author). nahidi@iau.ac.ir

³ Department of Economics, Payam Noor University, Tehran, Iran. s.jani@pnu.ac.ir

⁴ Department of Management, Mi.C., Islamic Azad University, Mianhe, Iran. Hassanzadeh.r @iau.ac.ir .